

کتاب سیزدهم

من دیگرما

...

دختران آسمانی و پسران مهریانی

راه کارهای آمادگی کردن دختران
برای ایفای نقش همسری و مادری

فرزند ما از ما جدا نیست: او خود ما است
اما در اندازه‌ای کوچک‌تر

...



سرشناسه: عباسی ولدی، محسن، ۱۳۵۵
 عنوان: نام پدید آور: دختران آسمانی و سفیران مهربانی: راه کارهای آماده کردن دختران برای ایفای نقش
 همسری و مادری / نویسنده محسن عباسی ولدی؛ ویراستار محمد اشعری.
 مشخصات نشر: قم: آیین فطرت، ۱۴۰۱. مشخصات ظاهری: ۲۰۷ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵ س. م.
 فروست: من دیگر ما: فرزند ما از ما جدا نیست، او خود ماست، اقا در اندازهای کوچکتر: کتاب سیزدهم.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۳۱-۷۸-۹
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه
 موضوع: دختران -- راه و رسم زندگی
 موضوع: Girls -- Conduct of life
 تربیت خانوادگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام
 Domestic education -- Religious aspects -- Islam
 رده بندی کنگره: HQ۷۹۸
 رده بندی دیویی: ۳۰۵/۲۳۵۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۱۲۲۱۴

• من دیگر ما (کتاب سیزدهم) •
 نویسنده: محسن عباسی ولدی
 ناشر: آیین فطرت
 مدیر هنری و طراح جلد: سید حسن موسوی زاده
 تصویرگر داخلی و جلد: سید حسن ذاکر زاده
 گرافیک: گروه هنری آیین فطرت
 ویراستار: محمد اشعری
 • www.ketabefetrat.com •

هماهنگی بخش: ۰۹۱۰۵۸۵۶۳۱۱
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: عمران
 نوبت چاپ: اول / بهار ۱۴۰۱
 شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۵۴۰۰۰ تومان
 با ورود به سایت زیر و خرید اینترنتی یا
 ارسال نام کتاب به سامانه پیامکی،
 کتاب را درب منزل تحویل بگیرید.
 ■ www.ketabefetrat.com ■
 سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰

کلیه حقوق محفوظ است.

فهرست من دیگرم/کتاب سیزدهم

۱۱ • مقدمه

بخش اول
حرف‌هایی که جنسشان طلاست

- ۲۱ • فصل اول زن، جامعه، تعالی
- ۲۴ • دلایل طرفداران ضرورت تحصیل در مادری و همسری موفق
- ۲۵ • پیش‌نیازهای مادری و همسری موفق
- ۳۳ • نقد دلیل اول تحصیل رسمی و شناخت بهتر از جامعه
- ۳۷ • نقد دلیل دوم: تحصیل رسمی و آگاهی بیشتر از تربیت
- ۳۸ • نقد دلیل سوم: تحصیل رسمی و جایگاه اجتماعی زن
- ۴۳ • نقد دلیل چهارم: تحصیل رسمی و جایگاه اخلاقی زن
- ۴۷ • نقد دلیل پنجم: تحصیل رسمی و اعتماد به نفس دختران
- ۵۴ • معرفت‌اندوزی و تحصیل رسمی
- ۵۶ • یک راهکار ویژه برای تحصیل و ازدواج دختران
- ۶۰ • اشتغال بیرون از خانه و نقش مادری و همسری

۶۵ • فصل دوم انسان و دنیای معنوی

۶۹ • فطرت و تفسیر معنوی از دنیا

۸۱ • فصل سوم زمین و الگوهای آسمانی

۸۴ • الف) الگو و انگیزه بخشی برای عمل

۸۴ • ب) الگو و فطری بودن

۸۴ • ج) الگو و متعالی بودن

۸۴ • د) الگو و معرفی صحیح

۸۵ • جنبه الگویی حضرت زهرا علیها السلام

۹۲ • نکاتی درباره معرفی شخصیت ماورائی حضرت زهرا علیها السلام

• ۹۹ فصل چهارم غرب و فلاکت آخرالزمانی

- ۱۰۴ ضرورت عبرت‌گیری از الگوهای مادی
- ۱۱۱ دو مؤلفه اساسی در بررسی فلاکت غرب
- ۱۱۱ یک آرامش و غرب
- ۱۱۲ دو مهربانی و غرب
- ۱۱۷ خطر الگو شدن جامعه غربی
- ۱۱۸ بنی اسرائیل و الگوی منحرف
- ۱۲۲ ضرورت نقد تمدن غربی
- ۱۲۴ خطر الگو شدن ستاره‌های غربی

• ۱۲۹ فصل پنجم انسان و زندگی ابدی

- ۱۳۵ بچه‌ها و فهم معاد
- ۱۳۷ چند سؤال مهم درباره معاد و فرزندان
- ۱۳۸ فطرت و ابدیت
- ۱۴۰ نوجوان و قلعه‌های معنوی
- ۱۴۱ الگوهای نوجوان معنوی در دنیای معاصر
- ۱۴۱ شهید بهنام محمدی
- ۱۴۴ شهید محمد حسین فهمیده
- ۱۴۷ شهید علی لندی
- ۱۴۹ شهید رضای پناهی
- ۱۵۴ مهارت‌های گفتگو درباره معاد

بخش دوم

کارهایی که کارشان شفاست

- ۱۵۹ تأثیر رفتار والدین بر علاقه دخترها به مادری و همسری
- ۱۶۱ چند سؤال کلیدی درباره رفتارهای خودمان
- ۱۶۴ مروری بر گزاره‌های تصویری شیرین

بخش سوم

کارکردنی که چون دواست

- ۱۷۱ نکاتی درباره خلق خاطرات خوب از کار در خانه

سلام بر تو مادری!

سلام! سلامی به زیبایی همه حرف‌هایی که در نامه‌ات به ما گفتی!

سلامی به گرمی محبتی که از واژه واژه نامه‌ات، دل یخ‌زده‌مان را گرما بخشید!

سلامی به بوی خوشی که از دل سوخته‌ات برخاسته بود و
مشام جانمان را معطر کرد!

سلام به همه مهربانی‌ات، به فداکاری‌ات، به باران محبتی که
همیشه روی سرمان می‌باری، به حال و هوای بهاری‌ات در همه
فصل‌های زندگی!

مادری! تلخی نامه‌ات، برایمان شیرین‌تر از عسل بود. از واژه‌هایت
اگر چه دلسوزی می‌بارید، اما هر کدام آنها برای ما چونان پتکی بود که
بر سرمان کوبیده می‌شد تا از خوابی گران بیدارمان کند.

برای این همه نامهربانی، ما را به مهربانی خدای عزیزت ببخش!

از وقتی نامه تو را خوانده‌ایم، در اندیشه گره‌های تو در تو و کور زندگی فرو رفته‌ایم. راست می‌گویی، مادری! ما هر اندازه که تو را از متن زندگی، به حاشیه راندید، بیشتر در میان این گره‌های پیچ در پیچ وا ماندیم.

حضور تو در زندگی، نه به عنوان زنی که انسان می‌زاید، بلکه به عنوان کانون عاطفه‌ای که جان ما را سیراب می‌کند، مثل آب حیات است.

ما وقتی از عاطفه خالی می‌شویم، زندگی برایمان تنگ می‌شود. وقتی می‌خواهیم از این تنگنا خارج شویم، زرق و برق‌ها را زیاد می‌کنیم؛ اما زرق و برق‌ها به دامن نمی‌رسند و ما هم به ریشه در دامن نمی‌رسیم.

آرامش بدون عاطفه بی‌معناست. وقتی در مسکن‌هایمان زن، ساکن است ولی مادری سکونت ندارد، دیگر نمی‌شود در مسکن‌ها به دنبال آرامش و سکینه گشت و از همین رو به دنبال مُسکِن‌های خیالی می‌رویم.

ما تحصیل و اشتغال را به جای تو نشانیدیم برای آن که احساس پیشرفت کنیم. تو را عقب راندید تا به خیال خاممان عقب نمانیم، غافل از این که آرامش، نشانه پیشرفت است. جامعه‌ای اگر قلّه قاف را فتح کند، اما بهره‌ای از آرامش نداشته باشد، عقب‌مانده‌ترین است. خدا تو را از پیشرفت ما قرار داد و ما تو را پس زدیم و پسرفت کردیم. مادری! ما را ببخش که سیاه‌نوشته‌های روی کاغذ این دانشگاه و آن دانشگاه را بر آنچه از سوی خدا در دل تو حک شده بود، ترجیح دادیم تا جایی که مدرک، قدرت درک ما از مقام مادری را گرفت. ما را ببخش که مدال افتخاری را که خدا بر گردن مادر انداخته،

فراموش کردیم و مدرکی را که انسانی برای انسانی نوشته است، پیش انداختیم.

ما را ببخش که زنانمان را فرستادیم سرکارهایی که زنانه نبود و با سرکار گذاشتن آنها، حس بالا رفتن را به خیالشان تزریق کردیم، آن قدر که حاضر شدند تو را کنار بزنند و از این پله‌های خیالی بالا بروند. پول که به جیبشان آمد، مست شادی شدند و از فرزندى که می‌توانستند به دنیا بیاورند، فراری.

ما را ببخش که تو را با پول و مدرک سنجیدیم و در این سنجش، تو را سبک‌تر دیدیم.

گاهمان سنگین است، خوب می‌دانیم؛ اما بنا گذاشته‌ایم که بر گردیم.

می‌خواهیم دخترانمان را مهیا کنیم تا مدالی را که منقش به نام توست، برگردنشان بیاورند و بر همه عالم فخر بفروشند. تقصیر ما بود که دخترانمان تو را فراموش کردند و در پستوی ذهنشان تنهایت گذاشتند. نه جای کتمان مانده و نه جای انکار که ما در تربیت دخترانمان، دچار غفلت بزرگی شدیم. اقرار می‌کنیم، به این امید که خدا این غفلت را بر ما ببخشد.

تو مظهر مهر و محبت خدای جهانیانی، درست می‌گویم؟ خودت گفتی اهل کینه نیستی، هستی؟ و میانه‌ای با سرزنش نداری. داری؟ پس بیا و از حق خویش بگذر و دعایمان کن. ما برای بازگشت به سوی تو و جبران آنچه از دست داده‌ایم، محتاج دعای خیریم. دعای خیر چه کسی گیراتر از توست، مادری؟

فدای تو

فرزندان شرمسارت

خدا را شکر می‌کنیم که مجموعه «من دیگر ما» به کتاب سیزدهم رسید. در کتاب دوازدهم، از جایگاه مادری و همسری در تربیت دختران سخن گفتیم. اگر حرف‌هایی که در آن کتاب گفتیم مقبول افتاده باشد، باید به این نتیجه رسیده باشیم که در تربیت دخترانمان، پیش‌ترو بیشتر از هر چیزی، آماده شدن آنها برای همسری و مادری را در نظر بگیریم.

پس از این نتیجه مشترک، یک سؤال اساسی پیش می‌آید: برای مهیا شدن دختران برای همسری و مادری، چه کارهایی را باید انجام داد؟

کتاب سیزدهم، خود را موظف می‌داند که به این سؤال پاسخ دهد. پاسخ این سؤال در پنج بخش ارائه می‌شود.

بخش اول کتاب در قالب پنج فصل، به نقش گفتگو در مهیا شدن ذهن دختران برای مادری و همسری می‌پردازد. این بخش تلاش می‌کند مواد لازم برای گفتگو با دختران را برای شما فراهم کند.

در فصل اول این بخش، در باره مطالبی سخن گفته‌ایم که بیانگر نقش مادری و همسری در تعالی و رشد جامعه است.

در فصل دوم، سخنانی را آورده‌ایم که می‌شود در باره تفسیر معنوی دنیا با دختران در میان گذاشت.

در فصل سوم، از گفتگو در باره الگوهای سخن گفته‌ایم که فطری‌اند و توانایی مدیریت تمایلات درونی فرزندانمان را دارند.

در فصل چهارم، به سراغ غرب رفته و گفتگو در باره واقعیت دنیای غرب را موضوع سخن قرار داده‌ایم.

معاد - که مظهر ابدیت است - از مهم‌ترین کلیدواژه‌های تربیتی است که در همه موضوعات تربیتی، نقشی ویژه ایفا می‌کند. این کلیدواژه، از مهم‌ترین موضوعات گفتگو درباره همسری و مادری است. فصل پنجم، عهده‌دار سخن گفتن در این باره است.

در بخش دوم این کتاب، توجه والدین را به گزاره‌های تصویری، جلب کرده و نقش این گزاره‌ها را در نوع نگاه فرزندان به مادری و همسری بررسی نموده‌ایم.

بخش سوم، به مشارکت دادن دختران در کارهای خانه اختصاص یافته است.

سخن گفتن و نوشتن از سوی فرزندان، هنگامی که با موضوع مادری و همسری همراه می‌شود، نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری و تثبیت نگاه صحیح آنها ایفا می‌کند. این مسئله، موضوع بخش چهارم است.

در بخش پنجم نیز درباره ازدواج و مهیا کردن دختران برای این کار مبارک، سخن گفته‌ایم.

امید است این کتاب توانسته باشد راهی پیش روی شما باز کند تا بتوانید در تربیت دخترانی که همسران و مادران آینده هستند، با آگاهی و مهارت بیشتری گام بردارید.

محسن عباسی ولدی

قم، شهر بانوی کرامت

بهار ۱۳۹۹